

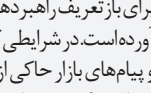
نیاز اقتصاد ایران



یادداشت - ۱

رمزگشایی از سبکال های سفر به نیویورک

همزمانی هشتاد و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل با تحولات بنیادین در موازنه قدرت های بزرگ (به ویژه سفر رئیس جمهور چین به امریکا) فرصتی کم نظیر



محمود خاقانی

برای بازتعریف راهبردهای دیپلماتیک ایران فراهم آورده است. در شرایطی که ریزش نرخ های اتی نفت و پیام های بازار حاکی از تمایل نداشتن بازیگران جهانی به گسترش یک درگیری تمام عیار در منطقه است، سفر مسعود پزشکیان به نیویورک را باید یک نقطه عطف پاراکمابستی و عملگرایانه ارزیابی کرد. سفری که در صورت هوشمندی دستگاه دیپلماتسی می تواند پروژه ایران رهاسری، انتلاف سازی های نظامی و توهمات تندروهای داخلی و خارجی را بی اثر کند. بررسی رفتار بازارهای انرژی در آستانه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل نشان می دهد که بازار نفت بیش از آنکه در التهاب تشدید تنش های ژئوپلیتیک بسوزد، به سمت احتیاط و کاهش ریسک حرکت کرده است. افت قیمت نفت برنت دریای شمال به کانال ۱۰۰ دلار (با ریزش حدود ۳۶ درصدی و کاهش قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمیدیت (WTI) به حدود ۹۵ دلار و ۷۶ سنت (افت ۴.۵ درصدی) در قراردادهای اتی یک ماهه، یک پیام روشن دارد: محاسبات معامله گران بین المللی بر این فرض استوار است که دست کم در کوتاه مدت، درگیری گسترده و مپازناپذیری در خاورمیانه رخ نخواهد داد. بازگشت جریان نفت عربستان از مسیر دریای سرخ و تأکید انصارالله یمن بر حفظ خطوط کشتیرانی امن (نه انسداد تنگه باب المندب) نشان می دهد که خطوط قرمز تجاری همچنان رعایت می شوند. علاوه بر این، در ردادعاهایی که از کاهش اهمیت ژئوپلیتیک تنگه هرمز ظرف سال های اتی سخن می گویند، مقامات ارزشمندی حوزہ خلیج فارس (از جمله قطر) به درستی تأکید می کنند که موقعیت استراتژیک این آبراه حیاتی پایدار و جایگزین ناپذیر است. واقعیتی که همه بازیگران را وادار به اجتناب از تنش های بنیان افکن می کند. همان طور که اشارہ شد یکی از ابعاد کلیدی مجمع عمومی اسال، همزمانی آن با

سفر رسمی رئیس جمهور چین به ایالات متحده و رایزنی های سطح بالا میان یکن و واشنگتن است. هرچند یک پرونده کسل پایکنابندگرای و رفتارهای شخص دونالد ترامپ اصطکاک جدی دارند، اما در یک اصل با واشنگتن هم راستا هستند: هیچ یک از قدرت های بین المللی تمایلی ندارند که ایران پیروز یک رویاری نظامی در منطقه معرفی شود یا موازنه قدرت به زیان ثبات زنجیره های تأمین جهانی برهم بخورد؛ از این رو، راه ده یکن برای انقبای نقش میانجیگره نه میان تهران و واشنگتن را باید جدی گرفت. از سوی دیگر، تقلیل دادن تصمیمات کناخ سفید به تمایزات فردی ترامپ خطایی تحلیلی است. در امریکا، یک الیگارشی قدرتمند و ساختارهای امنیتی-اقتصادی پشمت پرده، ریل گذاری کلان راهدایت می کنند. این ساختارها که چپ از ابزار فشار حداکثری بهره می گیرند، اما همواره منافع انباشت سرمایه و بازارها را بر مایه جوی های پیشینی ناپذیر مقدم می دانند.

در این آتمسفر پیچیده، حضور مسعود پزشکیان در نیویورک یک اقدام مثبت و به موقع است. رئیس جمهور برخلاف برخی جریان های تندرو که همواره به طبل گسست دیپلماتیک می کوبند و حتی دستاوردهای نشست های شانگهای و بریکس را در تریبون های داخلی تخریب می کنند، با صراحتی واقع بینانه اعلام کرد: «ایران جنگ طلب نیست، خواهان صلح جهانی است و اگر واشنگتن به تعهدات و تفاهنامه های خود بازگردد، تهران نیز مسیر بازگشت را در پیش خواهد گرفت.» دیدارها و رایزنی های منطقه ای رئیس جمهور، از جمله تعاملات با سران امارات متحده عربی و کشورهای منطقه، نشان می دهد که فضای تنش دایمی و همگرایی همسایگی زنده است. نیویورک بهترین فرصت است تا این منطق عقلانی بر هیاهوی جنگ طلبان غلبه کند. در این میان بحران انرژی، هوش مصنوعی و دگرگونی معادلات ژئوپلیتیک توجه اغلب کشورهای جهان را به خود جلب کرده است. موضوع انرژی امروز وارد فاز نوینی شده است. با چشش صنعت هوش مصنوعی و ورود غول های فناوری به محاسبات ژئواستراتژیک، عطش تصرف منابع زیرزمینی نادر و منابع کلان انرژی به شدت افزایش یافته است. است تاجایی که پنتاگون و ارتش چین اکنون در حال مذاکره برای تدوین پروتکل های مدیریت بحران هستند تا از صدور فرامین خود کار و اشتباه هوش مصنوعی در فناوری های نظامی پیشگیری کنند. در دنیایی که فنواری های نوین حتی مناسبات امنیتی بر قدرت ها را دستخوش بازیگری کرده، تقلیل سیاست خارجی به الگوهای دهه های گذشته نهانه بی خبری از تحولات جهان است. گذران امروز در حال گذاری چندجانبه، پیچیده و متکثر است. **ادامه در صفحه ۳**

تصادل | واردات خودرو در مناطق آزاد کشور بار دیگر با تغییر مقررات مواجه شده است. در ماه های گذشته، سیاست گذار با فراهم کردن امکان واردات خودرو توسط اشخاص حقیقی و استفاده از ظرفیت مناطق آزاد، مسیرهای تازه ای برای ورود خودرو ایجاد کرده بود؛ اما از ابتدای شهریور ۱۴۰۵، این روند با محدودیت جدیدی روبرو شد و واردات و شماره گذاری خودرو به نام اشخاص حقیقی متوقف شد. همزمان، بحر منطقه از ادشهر فرودگاهی

امام خمینی (ره) مسیر متفاوتی در حال شکل گیری است؛ مسیری که فعلا به واردات خودروهای حمل و نقل عمومی محدود شده و هنوز مجوزی برای ورود خودروهای شخصی از آن صادر نشده است. مناطق آزاد کشور در ماه های اخیر شاهد دومسیر متفاوت در سیاست واردات خودرو بوده اند؛ در حالی که واردات شخصی خودرو در مناطق آزاد از ابتدای شهریور ماه متوقف شده، منطقه از ادشهر فرودگاهی امام خمینی (ره) وارد مر حله شماره گذاری شده است؛ البته

فعلا برای خودروهای عمومی و نه خودروهای شخصی، اما ماجرا از چه قرار است؟ بر اساس ابلاغیه پلیس راهور که مهدی کاظمیان، سخنگوی سازمان منطقه آزاد انزلی، جزئیات آن را اعلام کرده است، از اول شهر پور ۱۴۰۵ ترخیص و شماره گذاری خودروهای وارداتی به نام اشخاص حقیقی امکان پذیر نیست. بر این اساس، تشریفات واردات و شماره گذاری باید از طریق شرکت هایی انجام شود که مجوز فعالیت از سازمان مناطق آزاد دارند. کاظمیان تأکید کرده

این تصمیم تنها مربوط به منطقه آزاد انزلی نیست و تمامی مناطق آزاد کشور را در بر می گیرد. به این ترتیب، مسیری که طی بیش از یک سال گذشته امکان ورود خودرو توسط اشخاص حقیقی فراهم کرد، دیوده عملا از شهر پور ماه تغییر کرده و نقش شرکت های دارای مجوز در فرآیند واردات، ترخیص و شماره گذاری پررنگ تر شده است. درباره دلایل این تغییر، مسؤولان مناطق آزاد به موضوعاتی مانند نظارت بر وارد کنندگان...



کاهش ۹۴ درصدی کشتی های کانتینری، دو برابر شدن زمان حمل و نقل، افزایش تقریبا هشت برابر هزینه هر کانتینر؛ اقتصاد خلیج فارس در حال حاضر با راه حل های اضطراری کار می کند که نمی توانند با حمل و نقل دریایی رقابت کنند. کامیون ها و هواپیماها نمی توانند از نظر کمی جایگزین کشتی های کانتینری شوند

خطرناک تر شده؛ یعنی خلیج فارس دیگر فقط با کلوگا له هرمز روبه رو نیست، بلکه فشارهای اضافی روی مسیر دریایی غربی هم دارد. بندر جبل علی، بزرگ ترین مرکز حمل و نقل منطقه، عملا از خطوط تجارت جهانی طبیعی به دلیل بسته شدن هرمز جدا شده است. قبل از جنگ جبل علی، روزانه حدود ۴۰ هزار کانتینر استاندارد از جابه جایی می کرد، نه همین بندر شلوع جهان بود؛ و به عنوان نقطه توزیع اصلی به بقیه کشورهای خلیج فارس عمل می کرد. جایگزین فعلی بندر خور فکان در ساحل خارجی امارات است، اما بسیار کوچک تر؛ فقط ۱۸ اسکله و ۱۸ جرثقیل در مقابل ۲۷ اسکله و ۱۲۰ جرثقیل جبل علی. مسیر جایگزین دیگر حمل زمینی از بنادر عمان یا جده یا ساحل سعودی در ریای سرخ است، در حالی که دولت های خلیج فارس کالاهای اولویت دار را هوایی حمل می کنند. عمان یکی از بزرگ ترین بهره برداران از تغییر مسیر تجارت شده؛ حجم حمل و نقل در بنادرش اسال ۶۹ درصد افزایش یافته است. مدیر عامل مرکس مثالی از حجم انحراف مورد نیاز برای خدمت به قطر می زند؛ کالاهای جده می رسند، سپس با کامیون به دمام منتقل می شوند و بعد در یایی به قطر فرستاده می شوند که به گفته او، حال حاضر سریع ترین مسیر موجود است.

کانتینری بیشترین اجتناب از ریسک را داشتند؛ بین اول مارس تا سپتامبر فقط ۲۴۰ کشتی کانتینری به خلیج فارس وارد شدند در مقابل ۴۱۹۸ کشتی سال قبل، یعنی کاهش حدود ۹۴ درصدی. قبل از بحران ۹۹ خط منظم کانتینری در داخل خلیج فارس یا به سمت آن فعالیت می کردند که حدود ۱۰۰ رصد ناوگان جهانی کانتینر را تشکیل می دادند. اکنون فقط ۱۱ خط باقی مانده؛ ده خط بین بنادر خلیج فارس حرکت می کنند و یکی مخصوص تجارت ایران و چین است. در داخل خلیج فارس هنوز کمبودهای جدی و گسترده ظاهر شده، اما کمبودهای جزئی کالاهای شروع شده؛ فروشگاه های ورزشی کلاه ایمنی دو چرخه کودک کان را تمام کرده اند، نمایندگی های خودرو و نتوانسته اند مدل های جدید وارد کنند و برخی بارها نوشیدنی های غذایی که زمینی حمل می شوند حدود سه هفته قیمت های قبل از جنگ شده اند و وضعیت موقتا قابل تحمل است، اما نه برای خلیج فارس و نه برای امریکا پایدار نیست. نفتکش های غول پیکر در برخی سفرهای خاورمیانه می توانند در امدد های گوردی تأحل نی کنند. دلار در روز کسب کردند، در حالی که کشتی های بار خشک هنوز فقط ده ها هزار دلار درآمد دارند و بنابراین بارده ریسک را توجیه نمی کند. کشتی های

سفر از چین به امارات به حدود ۶۰ روز دو برابر شده است و گاهی کانتینر ها در میانه راه برای ترانزیت بهمت در موندرا (هند) یا کلمبو (سریلانکا) نگه داشته می شوند. یک تاجر مشکل را این گونه خلاصه می کند: «خود کسب و کار خوب است، اما ورود کالا به بنادر امارات به «کابوس» تبدیل شده است. این نکته مهم است، حمل و نقل دریایی کمبود تقاضا نیست، بلکه فروپاشی کارایی زنجیره تأمین است. دولت امریکای اسکورت نفتکش های حامل میلیون ها بشکه تمرکز دارد، اما مقامات و تاجر خلیج فارس می گویند این مشکل ورود کالاهای مواد اولیه و کانتینر ها به منطقه را حل نمی کند. یک مقام منطقه گفت: «ویکرده فعلی امریکار بلندمدت پایدار نیست، چون روی خروج نفت و گاز تمرکز دارد و نیاز است، جبران یک کشتی که ۲۰ هزار کانتینر حمل می کند، از نظر تنوری به حدود ۴۰ هزار پرواز نیاز دارد. گزاری از فاینشال تایمز این بحران را برجسته می کند. هرمز عملا به روی تجارت خلیج فارس باز شده است، با وجود صحبت های مکرر امریکایی ها درباره کنترل تنگه و عبور نفتکش ها تحت حفاظت نظامی؛ ترده غیرنفتی تقریبا فلج است و تجارت کانتینر ها، کالاهای خشک، گاز، پتروشیمی و مواد غذایی بهای بسیار بیشتری نسبت به تجارت نفت خام می پردازد. هزینه حمل یک کانتینر ۴۰ قونی به اسارات از ۱۲۵۰ دلار قبل از جنگ به حدود ۱۰ هزار دلار رسیده، در حالی که بیمه دریایی از ۱۲۰ دلار به ۱۰۰۰ دلار برای هر کانتینر جهش کرده است. زمان

بحران هرمز از یک بحران انرژی به یک بحران لجستیکی جامع برای خلیج فارس تبدیل شده است. کاهش ۹۴ درصدی کشتی های کانتینری، دو برابر شدن زمان حمل و نقل، افزایش تقریبا هشت برابر هزینه هر کانتینر؛ اقتصاد خلیج فارس در حال حاضر با راه حل های اضطراری کار می کند که نمی توانند با حمل و نقل دریایی کمبود تقاضا نیست، بلکه فروپاشی کارایی زنجیره تأمین است. دولت امریکای اسکورت نفتکش های حامل میلیون ها بشکه تمرکز دارد، اما مقامات و تاجر خلیج فارس می گویند این مشکل ورود کالاهای مواد اولیه و کانتینر ها به منطقه را حل نمی کند. یک مقام منطقه گفت: «ویکرده فعلی امریکار بلندمدت پایدار نیست، نفتکش های غول پیکر در برخی سفرهای خاورمیانه می توانند در امدد های گوردی تأحل نی کنند. دلار در روز کسب کردند، در حالی که کشتی های بار خشک هنوز فقط ده ها هزار دلار درآمد دارند و بنابراین بارده ریسک را توجیه نمی کند. کشتی های

یادداشت - ۳

بازار از جنگ نمی ترسد؛ از افت جریان نقد می ترسد!

دو باره احتمال تشدید درگیری های نظامی به یکی از راه فروش اصلی تصمیم گیری در بازارهای دارایی تبدیل شده و طبیعی است که در چنین فضایی اولین سوال فعالان بورس این باشد که اگر جنگ آغاز دیگری شکل بگیرد، بازار سهام تا کجایی می تواند سقوط کند. اما از منظر اقتصادی، صورت مساله را باید تغییر تعریف کرد. «جنگ» به خودی خود یک متغیر قابل قیمت گذاری نیست؛ آنچه بازار قیمت گذاری می کند پیامدهای اقتصادی جنگ است، بنابراین برای تحلیل رفتار احتمالی بورس تهران باید به جای تمرکز بر تیتراخبار، چهار متغیر را بررسی کرد: تغییر صرف ریسک، تغییر جریان نقدی شرکت ها، واکنش نرخ ارز و تورم در نهایت و وضعیت نقدشوندگی بازار. از این منظر، انتظار ندارم رابطه میان شدت اخبار جنگ و افت بورس یک رابطه خطی باشد. بازار ممکن است در یک مقطع نسبت به اخبار بسیار حساس باشد و در مقطعی دیگر حتی در برابر اخبار ظاهرا شدیدتر واکنش محدودی نشان دهد. علت این رفتار آن است که قیمت سهام نه به «خبر»، بلکه به تفاوت میان خبر جدید و انتظاری که قبل از قیمت شکل گرفته و واکنش نشان می دهد، وابسته است. اگر یک شرکت در انتظار یک خبر جدید قرار دارد، یک قبل احتمال درگیری را بالا می زند؛ اگر خبر باشد، وقوع یک درگیری محدود ممکن است برخلاف تصور عمومی، شوک قیمتی بزرگی ایجاد نکند. در مقابل خبری که احتمال تغییر ماهیت جنگ از یک درگیری محدود به یک بحران طولانی مدت را افزایش دهد، می تواند حتی بدون آغاز عملیات جدید، قابل توجهی در بازار ایجاد کند. به همین دلیل مفهوم اصلی در تحلیل شرایط فعلی «صرف ریسک» است. سرمایه گذار زمانی سهام نگهداری می کند که بازده مورد انتظار از بتواند ریسک نگهداری این دارایی را جبران کند. با افزایش احتمال جنگ، سرمایه گذار بازده بالاتری مطالبه می کند و این یعنی نرخ تنزیل افزایش پیدا

دو باره احتمال تشدید درگیری های نظامی به یکی از راه فروش اصلی تصمیم گیری در بازارهای دارایی تبدیل شده و طبیعی است که در چنین فضایی اولین سوال فعالان بورس این باشد که اگر جنگ آغاز دیگری شکل بگیرد، بازار سهام تا کجایی می تواند سقوط کند. اما از منظر اقتصادی، صورت مساله را باید تغییر تعریف کرد. «جنگ» به خودی خود یک متغیر قابل قیمت گذاری نیست؛ آنچه بازار قیمت گذاری می کند پیامدهای اقتصادی جنگ است، بنابراین برای تحلیل رفتار احتمالی بورس تهران باید به جای تمرکز بر تیتراخبار، چهار متغیر را بررسی کرد: تغییر صرف ریسک، تغییر جریان نقدی شرکت ها، واکنش نرخ ارز و تورم در نهایت و وضعیت نقدشوندگی بازار. از این منظر، انتظار ندارم رابطه میان شدت اخبار جنگ و افت بورس یک رابطه خطی باشد. بازار ممکن است در یک مقطع نسبت به اخبار بسیار حساس باشد و در مقطعی دیگر حتی در برابر اخبار ظاهرا شدیدتر واکنش محدودی نشان دهد. علت این رفتار آن است که قیمت سهام نه به «خبر»، بلکه به تفاوت میان خبر جدید و انتظاری که قبل از قیمت شکل گرفته و واکنش نشان می دهد، وابسته است. اگر یک شرکت در انتظار یک خبر جدید قرار دارد، یک قبل احتمال درگیری را بالا می زند؛ اگر خبر باشد، وقوع یک درگیری محدود ممکن است برخلاف تصور عمومی، شوک قیمتی بزرگی ایجاد نکند. در مقابل خبری که احتمال تغییر ماهیت جنگ از یک درگیری محدود به یک بحران طولانی مدت را افزایش دهد، می تواند حتی بدون آغاز عملیات جدید، قابل توجهی در بازار ایجاد کند. به همین دلیل مفهوم اصلی در تحلیل شرایط فعلی «صرف ریسک» است. سرمایه گذار زمانی سهام نگهداری می کند که بازده مورد انتظار از بتواند ریسک نگهداری این دارایی را جبران کند. با افزایش احتمال جنگ، سرمایه گذار بازده بالاتری مطالبه می کند و این یعنی نرخ تنزیل افزایش پیدا

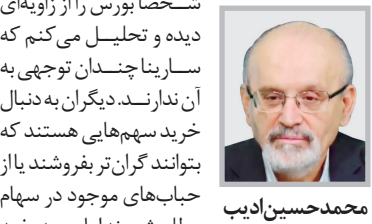


حسنا هادادی

یادداشت - ۲

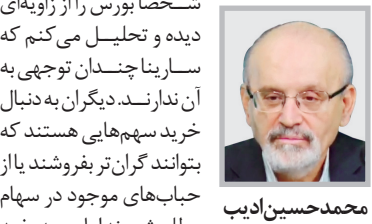
رمزگشایی از بورس در سایه دلار

شخصا بورس را از زاویه ای دیده و تحلیل می کنم که سارنا چندان توجهی به آن ندارند. دیگران به دنبال خرید سهم های هستند که بتوانند گران تر بفروشند یا از حباب های موجود در سهام مطلع شوند. اما من به مفید بودن تحلیل های اقتصادی برای کلیت اقتصاد ایران توجه دارم. بسیاری از فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران، پیش بینی پذیری آینده اقتصاد ایران را تنها در گرو کشف نرخ دلار فرامی دانند. این رویکرد، غفلت از تصویر بزرگ تر است. برای درک درست روندهای جاری باید به عمق عملکرد شرکت های بورسی رجوع کرد؛ جایی که صورت های مالی شفاف و بهروز، بدون دخالت سوءگیری ها، واقعیت های میدان را افشامی کنند. اگر شرکت های بالایی را از محاسبات کلان بورس تفکیک کنیم (چرا که پالایشگاه ها در ایران عملا کارکرد حق العمل کاری برای دولت دارند و با خرید نفت خام بارانه ای و با فروش آن به نرخ جهانی، اعدادی حبابی و متورم در صورت های مالی می سازند) مجموعه فروش سالانه بورس بیش از دو برابر کل «فروش خرد» در سراسر کشور است (فروش خردی که به مبنای ترانکش پایانه های فروشگاهی، ابزارهای موبایلی و درگاه های اینترنتی ثبت می شود). این بزرگی مقیاس نشان می دهد تصمیم گیری بر اساس هیجان، به جای اتکا به داده های رسمی، خطای استراتژیک سرمایه گذار در ایران است.



محمدحسین ادیب

بسیار از توجیه های اقتصادی برای کلیت اقتصاد ایران توجه دارم. بسیاری از فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران، پیش بینی پذیری آینده اقتصاد ایران را تنها در گرو کشف نرخ دلار فرامی دانند. این رویکرد، غفلت از تصویر بزرگ تر است. برای درک درست روندهای جاری باید به عمق عملکرد شرکت های بورسی رجوع کرد؛ جایی که صورت های مالی شفاف و بهروز، بدون دخالت سوءگیری ها، واقعیت های میدان را افشامی کنند. اگر شرکت های بالایی را از محاسبات کلان بورس تفکیک کنیم (چرا که پالایشگاه ها در ایران عملا کارکرد حق العمل کاری برای دولت دارند و با خرید نفت خام بارانه ای و با فروش آن به نرخ جهانی، اعدادی حبابی و متورم در صورت های مالی می سازند) مجموعه فروش سالانه بورس بیش از دو برابر کل «فروش خرد» در سراسر کشور است (فروش خردی که به مبنای ترانکش پایانه های فروشگاهی، ابزارهای موبایلی و درگاه های اینترنتی ثبت می شود). این بزرگی مقیاس نشان می دهد تصمیم گیری بر اساس هیجان، به جای اتکا به داده های رسمی، خطای استراتژیک سرمایه گذار در ایران است.



محمدحسین ادیب

بسیار از توجیه های اقتصادی برای کلیت اقتصاد ایران توجه دارم. بسیاری از فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران، پیش بینی پذیری آینده اقتصاد ایران را تنها در گرو کشف نرخ دلار فرامی دانند. این رویکرد، غفلت از تصویر بزرگ تر است. برای درک درست روندهای جاری باید به عمق عملکرد شرکت های بورسی رجوع کرد؛ جایی که صورت های مالی شفاف و بهروز، بدون دخالت سوءگیری ها، واقعیت های میدان را افشامی کنند. اگر شرکت های بالایی را از محاسبات کلان بورس تفکیک کنیم (چرا که پالایشگاه ها در ایران عملا کارکرد حق العمل کاری برای دولت دارند و با خرید نفت خام بارانه ای و با فروش آن به نرخ جهانی، اعدادی حبابی و متورم در صورت های مالی می سازند) مجموعه فروش سالانه بورس بیش از دو برابر کل «فروش خرد» در سراسر کشور است (فروش خردی که به مبنای ترانکش پایانه های فروشگاهی، ابزارهای موبایلی و درگاه های اینترنتی ثبت می شود). این بزرگی مقیاس نشان می دهد تصمیم گیری بر اساس هیجان، به جای اتکا به داده های رسمی، خطای استراتژیک سرمایه گذار در ایران است.

انبار هالبریز از کالا

بطلان ادعای حطی و انسداد دریایی

یکی از داده های غیر قابل انکار بورس، رقم ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومانی (همت) موجودی انبار شرکت هاست. با حذف اثر ضروری پالایشگاه ها، موجودی انبار

ادامه در صفحه ۳

بیت کوین در آغاز هفته مقاومت مهم بازار را شکست

صعود پادشاه ارزهای دیجیتال به ۸۵ هزار دلار

صفحه ۶

سرنوشت بازار مسکن در نیمه دوم سال

رکود در خرید و فروش، آرامش نسبی در اجاره

بازار مسکن در نیمه نخست سال ۱۴۰۵ با دو تصویر متفاوت روبرو بوده است؛ از یک سو سطح معاملات خرید و فروش همچنان پایین گزارش می شود و ۶۰ سوی دیگر، در بازار اجاره گفته می شود حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد قراردادها سسقف افزایش ۲۵ درصدی اجاره بها را رعایت کرده اند. این یعنی در بهترین برآورد، حدود ۳۰ درصد از موارد خارج از این الگو قرار گرفته اند...

صفحه ۷ را بخوانید

با افزایش تنش ها در خاورمیانه و اروپا

کمبود جهانی گاز و پیل تا سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت

با افزایش تنش ها در خاورمیانه و اروپا قیمت گاز و پیل افزایش یافته و کمبود این سوخت تا سال ۲۰۲۷ ادامه دارد. به گزارش رويترز؛ کمبود جهانی گاز و پیل با تشدید جنگ ها در ایران و اوکراین، به احتمال زیاد تا اوایل سال ۲۰۲۷ برطرف نخواهد شد. این موضوع از شاخص های بازار ذخیره سازی و گزارش های فعالان صنعت قابل استنباط است. افزایش شدید قیمت سوخت، اقتصادهای جهانی را تحت فشار فرآیندهای قرار داده است. جنگ عرضه گاز و پیل را به شدت مختل کرده اند، روزانه میلیون ها بشکه سوخت در خاورمیانه و روسیه متوقف شده است. ذخایر را به پایین ترین سطح تاریخی رسانده اند و قیمت ها را به رکوردهای بی سابقه سوق داده اند. کمبود گاز و پیل، به عنوان سوخت بخش کشاورزی، تولید و حمل و نقل سنگین، فعالیت اقتصادی را در سراسر جهان با کندی مواجه کرده است...

صفحه ۳ را بخوانید

یادداشت - ۴

آرامش بازار ارز در گرو مهار شوک های بیرونی

بازار ارز ایران در هفته های اخیر بیش از آنکه تحت تأثیر متغیرهای معمول اقتصادی باشد، از فشارهای بیرونی و محدودیت های ناشی از تحریم و اختلال در مسیرهای تجاری اثر پذیرفته است. در چنین شرایطی، مساله اصلی نه کمبود تقاضا، بلکه محدود شدن جریان ورود منابع ارزی است؛ اینکه تحت تأثیر که چشم انداز نیمه دوم سال را نیز به شدت به تحولات سیاسی و خارجی گره زده است. واقعیت این است که اقتصاد ایران در دوره های مختلف با شوک های ارزی مواجه بوده، اما شرایط فعلی ویژگی متفاوتی دارد. محدودیت در صادرات نفت و کالاهای نفتی، دشواری دسترسی به منابع ارزی و اختلال در حمل و نقل دریایی موجب شده بخشی از واردات در بنادر متوقف بماند و هزینه انتقال کالای افزایش پیدا کند. طبیعی است که چنین فضایی خود را در قیمت تمام شده کالاهای و سپس در بازار ارز نشان دهد. در این میان، برخلاف تصور رایج، نباید همه مسوولیت نوسانات ارزی را متوجه بانک مرکزی دانست. در وضعیتی که بخش عمده منابع ارزی کشور تحت تأثیر تحریم، تجارت خارجی و درآمدهای صادراتی قرار دارد، دامنه اثر گذاری سیاست های پولی محدودتر از شرایط عادی است. حتی مداخلات ارزی با سیاست های کوتاه مدت نیز زمانی موثر خواهد بود که جریان منابع ارزی با اختلال جدی مواجه نباشد. از سوی دیگر، بحث کسری بودجه و محدودیت منابع دولت به تنه خود، در تحلیل های اقتصادی مطرح بوده است. هر چند گمانه زنی های درباره استقبال دولت از افزایش نرخ ارز برای جبران بخشی از کمبود منابع وجود دارد، اما آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، بازگشت ثبات به منابع ارزی و کاهش فشار یایی سال بکاهد، اما به زریابدون بهبود این متغیرها، بازار ارز همچنان در معرض نااطمینانی باقی خواهد ماند. چند انبار نیمه دوم سال نیز به همین اساس قابل تحلیل است. اگر تهدیدها، تحریم ها و محدودیت های تجاری با همین شدت ادامه پیدا کنند، انتظر تغییر بنیادین نسبت به نیمه نخست سال چندان واقع بینانه نیست. البته بخشی از تقاضاهای ارزی در ماه های گذشته پیشخور شده و همین موضوع می تواند از شدت فشار تقاضا در ماه های پایانی سال بکاهد، اما به معنای پایان چالش های بازار ارز نخواهد بود. در حوزه تورم نیز هر چند افزایش قیمت ها ادامه دارد، اما کاهش قدرت خرید خللوار خود به عاملی برای محدود شدن تقاضا تبدیل شده است. به همین دلیل، احتمال تداوم رشد قیمت ها وجود دارد، اما وقوع تورم سرهمی در شرایط فعلی چندان محتمل به نظر نمی رسد، زیرا بازار ناگزیر است با توان مصرف واقعی مردم همراه شود و رشد قیمت ها نیز در نهایت از همین محدودیت ها می پذیرد. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، مدیریت همزمان اقتصاد و سیاست خارجی است. تا زمانی که تقاضای داخلی با همین محدودیت ها مواجه باشد، ثبات پایدار در بازار ارز به سادگی حاصل نخواهد شد. مقابل کاهش نااطمینانی، تسهیل جریان تجارت و تقویت دسترسی به منابع ارزی می تواند مهم ترین پیش شرط آرامش بازار و مهار نوسانات در نیمه دوم سال باشد.

سیدهدین حسینی هاشمی

سیدهدین حسینی هاشمی

ادامه در صفحه ۲